



دلالت‌های سیره رضوی در سیاست فرهنگی

دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۶ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۵

سینا عصاره نژاد دزفولی^۱، مهدی باقری قورتانی^۲، میثم فرخی^۳

چکیده

اوضاع فرهنگی اجتماعی دوران امامت امام رضا (علیه السلام) و همچنین موقعیت خاص آن حضرت در نسبت با امر حکومت، شرایطی ویژه را پدید آورده است که تأمل عمیق اندیشمندان علوم اجتماعی برای تحلیل این دوران را می‌طلبد. تأمل در سیره اجتماعی آن حضرت، درس‌هایی راه‌گشا برای برون‌رفت دانش علوم اجتماعی کنونی از گره‌های کور پیش‌رو را به همراه دارد که یکی از آن‌ها درس‌هایی برای سیاست‌گذاران و اندیشمندان حوزه فرهنگ است. این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی، درصدد استخراج دلالت‌های سیره رضوی در سیاست فرهنگی برآمد. برخی دلالت‌های سیاست فرهنگی استخراج شده از سیره رضوی در این پژوهش عبارت است از: مردمی بودن؛ اساس سیاست فرهنگی اسلامی، سبک زندگی اسلامی؛ شاه‌بیت سیاست فرهنگی اسلامی، فطریات، نقطه شروع سیاست‌گذاری فرهنگی، توجه به ضرورت سیاست‌گذاری برای الگوهای فرهنگی در منظومه تدوینی سیاست فرهنگی اسلامی، فرصت‌شناسی در سیاست فرهنگی، توجه توأمان به ابعاد فطری و طبیعی انسان در سیاست فرهنگی اسلامی، عدالت فرهنگی در سیاست‌گذاری فرهنگی، «هویت‌سازی» و «نمادسازی» در سیاست فرهنگی و ...

کلیدواژه‌ها: سیره رضوی، امام رضا (علیه السلام)، فرهنگ، سیاست.

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) (نویسنده مسئول): Sina.asareh716@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) : Qadir.mah14@gmail.com

۳. استادیار گروه ارتباطات و مطالعات فرهنگی دانشکده رفاه تهران: mfarokhi65@gmail.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

تمامی علوم و به تبع آن تمامی متعلقات آن، مبتنی بر اصولی است که به عنوان پیش فرض‌هایی برای این علوم لحاظ می‌شود. با تغییر این اصول بنیادین، علوم، نتایج و روش‌های آن‌ها نیز تغییر خواهند یافت. در واقع میزان شباهت یا تفاوت نظریه‌های مختلف علمی به میزان مغایرت این پیش فرض‌ها بسته است؛ بنابراین در نظریه‌های مختلف سیاست فرهنگی نیز نحوه تبیین این نظریه‌ها از جهان، انسان، جامعه، علم و ... باعث به دست آمدن نتایج مختلف خواهد شد. از طرف دیگر، اهل بیت (علیهم‌السلام) که نمونه کامل حاکمان و سیاست‌گذاران الهی به شمار می‌روند، سیره عملی ایشان، همان الگوی فکری و رفتاری پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است. این بزرگواران متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی خویش، سیره و منش خاصی را در هدایت و ارتقای جامعه اتخاذ می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۵۶). از طرفی، دوران امامت امام رضا (علیه‌السلام)، عصر اختلاط فرهنگ اسلام با دیگر فرهنگ‌ها شناخته شده است (قائمی، ۱۳۷۸: ۲۷۵) و به دلیل گسترش نهضت چاپ و ترجمه کتب گوناگون، زمینه‌های علمی برای اندیشمندان و متکلمان ادیان مختلف ایجاد شد که به عصر طلایی تمدن اسلامی نیز مشهور شده است (ابن‌سعد، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۴۳۱؛ رفاعی، ۱۳۴۳ ق، ج ۱: ۳۷۹؛ جرجی‌زیدان، بی‌تا، ج ۲: ۲۸۲). در این دوره زمینه مناسبی برای نحل‌ها و جریان‌های انحرافی نظیر واقفیه، غلات و مفاوضه مهیا شد که به ترویج عقاید خویش می‌پرداختند. در مقابل نیز، پاره‌ای از فرقه‌ها نظیر مشبهه و مجسمه که محصول اندیشه اهل حدیث بودند، در این دوران نقش آفرین شدند. در این دوران، جلسات مذاکراتی که در قالب مناظرات با دانشمندان ادیان مختلف نیز برگزار می‌شد، از اهمیتی دوچندان برخوردار بود. از همین رو، هجرت امام رضا (علیه‌السلام) به خراسان، در پی‌ریزی و تثبیت ارکان فکری جهان تشیع غیرقابل انکار است. بدین سان، امام رضا (علیه‌السلام) در مواجهه با این جریان‌ها گوناگون درونی و بیرونی، نه تنها به شبهات بزرگان و پیروان آنان پاسخ می‌دادند بلکه از هر فرصتی استفاده می‌کردند تا در زمینه‌های فردی و اجتماعی، آموزه‌های اسلامی را به جامعه خویش ارائه کنند. بی‌شک شناخت بهتر این آموزه‌ها در عصر حاضر که عصر تهاجم فرهنگی استف‌الگوی مناسبی را در حیطه سیاست فرهنگی

پیش روی اندیشمندان قرار خواهد داد.

بنابراین با توجه به اینکه اولاً و بالذات حرکت امام رضا (علیه السلام) در ایران به تبعیت از پدران صالح خود، حرکتی فرهنگی بود، این حرکت می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای سیاست فرهنگی قرار گیرد؛ بنابراین مسئله این پژوهش، استخراج دلالت‌های سیره رضوی به‌عنوان مبنایی برای استخراج احکام اجتماعی، در سیاست فرهنگی است که جزئی از احکام اجتماعی محسوب می‌شود. این امر می‌تواند در دستیابی به سیاست فرهنگی اسلامی راهگشا باشد. پس سوال اصلی این پژوهش عبارت است از:

۱. دلالت‌های سیره رضوی در سیاست فرهنگی کدام است؟

تاکنون هیچ پژوهشی، به صورت مشخص در حیطه «استخراج دلالت‌های سیره رضوی در سیاست فرهنگی» صورت نگرفته است؛ اما پژوهش‌هایی قریب به این موضوع انجام شده که در جدول (۱) به اهم آن‌ها اشاره می‌شود.

نام پژوهشگر و سال انجام	عنوان پژوهش	اهم نتایج
سروری‌مجد (۱۳۹۲)	فرهنگ رضوی و جامعه آرمانی	مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه آرمانی در فرهنگ رضوی عبارتند از: عقل‌گرایی، برپایی عدل، احسان، حاکمیت امام، گسترش دانش و شکوفایی اقتصادی.
خاک‌پور و همکاران (۱۳۹۳)	نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا(ع) بر جامعه شیعه	مهم‌ترین نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا(ع) بر جامعه شیعه عبارتند از: نقش تعالی‌بخشی به جایگاه قرآن و اهل‌بیت(ع) در جامعه، احیای کثرت‌گرایی سنت رسول خدا(ص) و ائمه اطهار(ع)، تبیین و تثبیت به ویژه در امر مهم امامت، بالندگی و توسعه‌بخشی، نخبه‌پروری، سلامت‌دهی، حفاظت و هدایت، روشنگری، بصیرت‌افزایی و...

<p>مسائل فرهنگی زمان امامت امام رضا(ع)، شامل موضوعاتی مانند: درخطر بودن رهبری شیعی، انحرافات عقیدتی در نهضت ترجمه، ظهور و بروز ادیان و فرقه‌های گوناگون، شایعات و دروغ‌پراکنی علیه اهل‌بیت(ع)، تحریف و جعل احادیث و فریب حکومت است که ایشان با مجموعه اقدامات سیاستی مانند اعلام صریح و آشکار رهبری شیعه، تربیت شاگردان نخبه، تشکیل جلسات علمی دینی، مناظرات علمی، سفرهای تبلیغی، احیای سنت نبوی، تبیین احادیث صحیح و لعن جاعلان، لعن و تکفیر برخی از فرقه‌ها، توسعه همه‌جانبه علوم، گسترش مذهب تشیع، خنثی کردن توطئه‌های فریبکارانه حکومت، به مسایل مذکور پاسخ داده‌اند.</p>	<p>واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در سیره امام رضا(ع)</p>	<p>جهانگیر فیض‌آبادی و فرخی (۱۳۹۵)</p>
<p>مسایل فرهنگی این دوران ۳ دسته‌اند که عبارتند از: مسایل فرهنگی دستگاه خلافت، مسایل فرهنگی عمومی، مسایل فرهنگی جامعه شیعی. سیاست‌های فرهنگی امامان(ع) در برابر این مسایل عبارتند از: رشد عقلانیت دینی عمومی و معرفی مرجعیت علمی اهل‌بیت(ع)، ترسیم الگوی کامل تقوی فردی و جمعی، حفظ خط انتقال معارف و جریان زنده تعلیم و تربیت، پایه‌ریزی فرهنگ انتظار، سازماندهی و پالایش شبکه و کالت و...</p>	<p>تحلیل و بررسی سیاست فرهنگی ابن‌الرضا(امامان جواد، هادی و عسکری(ع))</p>	<p>دهقانی (۱۳۹۵)</p>

جدول (۱) پیشینه پژوهش

۲. مبانی نظری پژوهش

ضروری است در این بخش به تعریف مفاهیم اساسی پژوهش پرداخته شود.

۲-۱. چیستی مفهوم سیاست

«سیاست» دارای معانی متعددی است که برخی از آن‌ها عبارت است از: پاس داشتن ملک، حکم راندن بر رعیت، ریاست، داوری و... (درخشه، ۱۳۸۶: ۱۴۱). اتفاق نظری درباره معنای اصطلاحی سیاست وجود ندارد. برای مثال بیان کرده‌اند: سیاست یعنی

روابط قدرت، حکومت‌کردن بر انسان‌ها، هنر استفاده از امکانات، توزیع اقتدارآمیز ارزش‌ها، هرگونه راهبرد برای به‌کرد امور و... (افتخاری، ۱۳۹۲: ۸؛ آشوری، ۱۳۷۳: ۲۱۲)؛ اما با اغماض‌هایی، می‌توان «سیاست» را به معنی تصدی امور ملت و رعایت مصالح و تدبیر شئون آنان دانست (احمدی‌فر و دیگران، ۱۳۹۴: ۹). سیاست در رشته سیاست‌گذاری عبارت است از: «تدوین راه‌حل عمومی برای حل عمومی مشکل خاص اجتماعی یا برای دستیابی به هدفی منحصر به فرد» (اشتریان، ۱۳۸۹: ۹۶). از طرفی، می‌توان سیاست را تصمیمی پویا دانست که توسط یک منبع دارای اقتدار، گرفته می‌شود و به صورت عام‌تر، می‌تواند به مثابه هدفی باشد که قرار است به دست آید (شفریتز و بریک، ۱۳۹۰: ۴۲)؛ اما تعریف مختار آن در پژوهش حاضر، عبارت است از تدوین راه‌حل علمی برای حل مشکل خاص اجتماعی یا برای دستیابی به غایتی منحصر به فرد، توسط هر نهاد دارای اقتدار در جامعه، مانند دولت، جامعه مدنی و... .

۲-۲. چیستی مفهوم فرهنگ

معنای «فرهنگ» نیز در علوم اجتماعی بسیار متنوع است و بیش از صد تعریف از این مفهوم وجود دارد (کلاکھون، ۱۳۹۳). برخی از تعاریف آن نزد اندیشمندان علوم اجتماعی عبارت است از: «رفتار یا الگوی‌های رفتاری»، «شیوه الگوی زندگی بشر»، «مجموعه اندوخته‌های مادی و معنوی»، «بازتاب اندیشه و شناخت بشر»، «ارزش‌ها، هنجارها، باورها و مجموعه امور پذیرفته‌شده و هنجارهای اجتماعی» (پیروزمند، ۱۳۸۹: ۳۰).

فرهنگ خود را در سه سطح مصنوعات، ارزش‌های پذیرفته‌شده و فرض‌های زیربنایی، نشان می‌دهد. مصنوعات، اولین و بیرونی‌ترین لایه فرهنگ هستند و هر آنچه را حس می‌شود، دربر می‌گیرد، مانند غذا، لباس و... (شاین، ۱۳۸۳: ۳۹). سطح دوم فرهنگ از درک هر فرد از اینکه چه چیزی باید باشد، جدا از آنچه هست، تشکیل می‌شود (شاین، ۱۳۸۳: ۴۱). فرض‌های زیربنایی، ژرف‌ترین سطح فرهنگ است. مفروضات اساسی مثل تئوری‌های در عمل، مفروضاتی هستند که درباره آن‌ها بحث نمی‌شود و از این رو

تغییراتشان بسیار مشکل است (شاین، ۱۳۸۳: ۴۶). اما تعریف مختار از فرهنگ در پژوهش حاضر، همان تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی است که عبارت است از: «نظام‌واره‌ای از عقاید و باورهای اساسی، ارزش‌ها، آداب، الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا، نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد» (مولایی‌آرانی، ۱۳۹۶: ۴) و قابل انتقال از نسلی به نسل دیگر و یا از جامعه‌ای به جامعه دیگر است (سروری‌مجد، ۱۳۹۳: ۳) و از این منظر، فرهنگ، پدیده‌ای ارتباطی است (علم‌الهدی و شریفی، ۱۳۹۴: ۶).

۲-۳. چيستی مفهوم سياست فرهنگي

حوزه مفهومی «سياست فرهنگی» نیز به وسعت تعاریف متنوعی که از مفاهیم «سیاست» و «فرهنگ» ارائه شده، گسترده است؛ اما آنچه در ادامه بیان می‌شود، مراد پژوهش حاضر از این مفهوم است. سیاست فرهنگی به اقدامات عامدانه و از پیش طراحی شده‌ای گفته می‌شود که نهادهای دارای اقتدار از قبیل دولت، بازار یا جامعه مدنی، در حوزه فرهنگ انجام می‌دهند. بر این اساس خط‌مشی‌های فرهنگی را می‌توان از جنبه‌های مختلفی بررسی کرد. برای مثال، رویکرد مدیریتی و اجرایی، رویکرد ارزیابی اثربخشی و... (مک‌گویگان، ۱۳۸۸: ۸). اندیشمندان حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی نیز، روند سیاست‌گذاری را با عنوان چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی به مراحل گوناگونی تقسیم کرده‌اند که مهم‌ترین آن عبارت است از: ۱. تشخیص و صورت‌بندی مسئله، ۲. شناسایی راه‌حل‌ها، ۳. تصمیم‌گیری، ۴. اجرا، ۵. ارزیابی (اشترینان، ۱۳۸۹: ۱۸). این اقدامات سیاست‌گذارانه ممکن است به صورت مداخله، نظارت یا اجتناب از هرگونه مداخله در حوزه فرهنگ روی دهد (نائینی، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

۳. روش پژوهش

تحقیق، به شیوه کیفی و از نوع تحلیلی توصیفی است. منابع مورد استناد، شامل کلیه

اسناد، منابع و مراجع مرتبط با دلالت‌های سیره رضوی در سیاست فرهنگی است و کلیه منابع، محتواها و مراجع موجود و در دسترس، اعم از کتاب‌ها و... مورد تحلیل قرار گرفت. داده‌های حاصل شده از نوع کیفی بوده و بنابراین با توجه به نوع داده‌ها به طبقه‌بندی، تحلیل، استدلال و استنتاج منطقی آن‌ها پرداخته شد.

۴. دلالت‌های سیره رضوی در سیاست فرهنگی

در این بخش به بیان دلالت‌های سیره رضوی در سیاست‌گذاری فرهنگی پرداخته می‌شود.

۴-۱. مردمی بودن؛ اساس سیاست فرهنگی اسلامی

مردمی بودن سیاست‌های فرهنگی، به عنوان اولین دلالتی است که از سیره رضوی استنتاج می‌شود. بر اساس این دلالت، مردم، هم هدف سیاست فرهنگی هستند و هم مجری آن. مردم جامعه، هدف آن هستند، چون اساساً اولیای الهی، حرکت اصلاح‌گرایانه خود را تماماً برای اصلاح انسان، آغاز کرده‌اند. مردم وسیله و مجری این سیاست هستند، چون تا مردم، خود نخواهند که در امری از خود اصلاح پدید آورند، در آن امر اصلاح پدید نخواهد آمد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «... خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند...» (رعد، ۱۱)، که اساس حرکت دادن ملت‌ها به سوی اصلاح امر خود، وجود امامی است که مردم با او پیوندی قلبی و عمیق دارند و از پایگاهی مردمی برخوردارند. محققان سیره رضوی در این باره می‌گویند: «مأمون به طرق مختلف تلاش می‌کرد که امام (علیه السلام) را از مردم دور نگه دارد تا ارتباط عاطفی و معنوی میان حضرت و مردم را از بین ببرد. در همین راستا، مسیر حرکت امام (علیه السلام) از مدینه تا مرو را طوری انتخاب کرده بود که شهرهای معروف به محبت اهل بیت (علیهم السلام) مانند کوفه و قم بر سر راه قرار نگیرد؛ اما امام (علیه السلام) در همان مسیر تعیین شده و در جای جای این سفر طولانی، خود را در معرض ارتباط با مردم قرار می‌داد. در

بصره دل‌هایی را که با او نامهربان بودند، به خود متمایل کرد. در اهواز از امامت سخن گفت و در نیشابور حدیث گهربار «سلسله الذهب» را به یادگار گذاشت» (جعفریان، ۱۳۶۸: ۲۲۱). همچنین امام رضا علیه السلام دربارهٔ ضرورت توجه به مردم، می‌فرماید: «سوگند به آن کس که جانم در دست اوست، کسی جز اهل ترحم به بهشت نمی‌رود. عرض کردند: همه ما دل‌رحم و مهربانیم. فرمودند: نه! مگر آن‌گاه که به عموم مردم رحم کنید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۰۴)

۴-۲. سیاست فرهنگی به مثابه سیاست جهت‌دهنده به گرایش‌های اجتماعی

در لغت «گرایش» به معنای «میل و رغبت»، «قصد»، «اراده» و «آهنگ» دستیابی به هدفی و یا حرکت در مسیری خاص است (معین، ۱۳۸۶: ۹۷۶). گرایش‌های فردی و اجتماعی همچون شمشیری دولبه عمل می‌کند که در صورت عدم سیاست‌گذاری برای آن‌ها، فرد و جامعه را به مسیرهای خطرناکی می‌کشاند (عصاره‌نژاد دزفولی، ۱۳۹۷). این اصل در سیرهٔ رضوی مویدی بر مولفه مذکور است. برای مثال، باید دانست که فرایند سیاست فرهنگی، فقط فرایندی سلبی نیست، بلکه بال دیگر آن، ایجابی است (عظیم‌زاده اردبیلی و ذبیحی، ۱۳۹۲) و باید در برابر سیاست‌های فرهنگی مخرب، سیاست‌هایی برخاسته از معارف الهی و بدیل‌های اسلامی تولید نمود و فقط نباید به رویکردی سلبی اکتفا کرد (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۸). امام رضا علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «خدا رحمت کند آن کس که امر ما را زنده بدارد. راوی می‌گوید: گفتیم: چگونه امر شما را زنده بداریم؟ فرمود: با تعلیم علوم ما به مردم، زیرا اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را بدانند از آن تبعیت می‌کنند» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۱۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۰). همچنین فرموده‌اند: «هر کس در مجلسی بنشیند که امر ما در آن زنده می‌شود، دل او نمیرد آن روز که دل‌ها همه خواهد مرد. از ایشان سوال شد که چگونه امر شما زنده نگه داشته می‌شود؟ به این که علوم ما را پیام‌وزد و به مردمان آموزش دهد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۹۴؛ همان، ۱۳۷۶ق: ۷۳؛ راوندی، ۱۴۰۷ق: ۲۷۸؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۲۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴: ۵۰۲؛ بحرانی، ۱۳۷۴ق، ج ۳: ۵۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۹۹؛ جزایری، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۱۸۵). این

روایات بر این نکته دلالت دارند که سیاست‌های فرهنگی دینی، به خودی خود راهکاری در مقابله با از بین بردن چالش‌های فرهنگی به خصوص در دنیای معاصر است و خود به نوعی احیای امر اسلام است.

۴-۳. توجه به آثار وضعی محیطی در تدوین سیاست فرهنگی

بر اساس شواهد موجود در سیره رضوی، یکی از بنیان‌های مهم در تدوین سیاست‌های فرهنگی، توجه به نقش اثرات وضعی محیطی است. نمونه‌ای از این شواهد عبارت است از:

۴-۳-۱. توجه به شرایط وضعی محیطی انعقاد نطفه

در سیره رضوی، در زمینه توجه به شرایط وضعی محیطی انعقاد نطفه، راهنمایی‌هایی وجود دارد که ضرورت این موضوع مهم را به عنوان یک اصل در سیاست فرهنگی، نشان می‌دهد. امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: «هنگامی که زن به خانه تو وارد شد، پیشانی‌اش را بگیر و او را به طرف قبله بنشان و بگو: خداوندا، او را به امانت گرفته‌ام و با میثاق تو بر خود حلال کرده‌ام، پروردگارا، از او فرزند با برکت و سالم روزی ام کن و شیطان را در نطفه‌ام شریک مساز و سهمی برای او قرارمده» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵: ۱۲۲). امام رضا (علیه السلام) در این دعا لزوم طلب فرزند سالم و صالح را از خداوند یادآوری می‌کنند. در نگاه توحیدی، اگر تمام اصول سیاست‌ورزی رعایت شود باز هم انسان، بی‌نیاز از عنایت الهی نمی‌شود. فرزند صالح، از الطاف پنهان و آشکار خداوند است که باید این لطف را از درگاه الهی طلب کرد.

۴-۳-۲. توجه به شرایط وضعی محیطی دوران بارداری

توجه به شرایط وضعی محیطی دوران بارداری مادر، دلالت دیگری برای ضرورت این مهم در سیره رضوی است. در این دوران آنچه مادر می‌خورد، می‌بیند، می‌شنود و تمام حالت‌ها و احساس‌های او در کودک موثر است. به همین دلیل توصیه‌های متعددی در

مراقبت‌های دوران بارداری از ائمه علیهم‌السلام رسیده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۲۳). امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «به زنان باردار، کندر داده شود، زیرا اگر حمل آن‌ها پسر باشد، پاکیزه قلب، دانشمند و شجاع خواهد شد و اگر دختر باشد، خوش اخلاق، زیبا و سرین او بزرگ می‌شود و نزد شوهرش منزلت می‌یابد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۲۳) واضح است که تغذیه علت تامه این صفات نیست؛ اما عامل زمینه‌ساز است.

۴-۳-۳. توجه به شرایط وضعی محیطی هنگام تولد

اعمالی به عنوان سنن ولادت در روایات ذکر شده که دلالت دیگری به این اصل کلی در سیاست فرهنگی است. برخی از این اعمال شامل غسل، اذان گفتن در گوش نوزاد، بازکردن کام نوزاد با تربت امام حسین علیه‌السلام، انتخاب نام شایسته و... است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱: ۱۱۶). کودک در بدو تولد باید آوای توحید را با جان بشنود تا حق طلبی در جاننش نفوذ کند همان طور که برخی روایت‌ها به این معنا اشاره کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۳۸۹). از مهم‌ترین این سنن در تربیت، انتخاب نام است. امام رضا علیه‌السلام نقل کرده‌اند که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره حق فرزند سوال شد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «حق فرزند این است که نام و تربیت او را نیکو گردانی و او را در جایگاه (تربیتی) نیکویی قرار دهی» (همان: ۴۸). همچنین آن امام علیه‌السلام می‌فرماید: «اولین نیکی انسان به فرزندش، انتخاب نام نیک برای اوست» (همان: ۱۸). نام فرد می‌تواند در صفات روحی او تاثیرگذار باشد. در روایات انتخاب نام نیک و انتخاب نام انسان‌های صالح از جمله پیامبران یا اسمی که نشان‌دهنده بندگی خداوند باشد، توصیه و انتخاب نام‌هایی با معانی نامناسب یا اسمی که دلالت بر سرکشی می‌کنند، نهی شده است (همان: ۲۱). امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «هرگاه فرزندی را محمد نام گذارید، او را گرمی بدارید، در انجمن‌ها به او گشادگی و وسعت مکان دهید و نسبت به او روی ترش نکنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱: ۱۲۸).

۴-۴. تساهل و مدارای دینی در سیاست فرهنگی

تساهل و مدارای دینی از دیگر دلالت‌های سیره رضوی در سیاست فرهنگی است. امام رضا (علیه السلام) درباره پیروان سایر ادیان، سعه صدر داشتند. حضرت نه تنها به لحاظ نظری بلکه به لحاظ سلوک رفتاری نیز چنین بوده‌اند. احترام توأم با مدارا در مناظرات با سران ادیان و مذاهب، موبد این مطلب است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۸۹). ایشان درباره اهل عناد، سخت‌گیر بوده؛ اما کسی را صرفاً به خاطر عقاید خاصی مورد توهین قرار نمی‌داد (دلبری و زحمتکش، ۱۳۹۵). در رفتار امام رضا (علیه السلام) هم قاطعیت صریح دیده می‌شود و هم ملایمت. امام (علیه السلام) درباره مسائلی که با مبانی عقیده در تضاد باشد، نظیر مباحث توحید، امامت و... سازش‌ناپذیر است ولی آنجا که به حقوق شخصی مربوط می‌شود، اهل مداراست (گنجور، ۱۳۹۰: ۲۵۰). راوی می‌گوید: «به امام رضا (علیه السلام) گفتم برای پدر و مادرم دعاکنم، با اینکه حق امامان و آل پیامبر را نشناختند؟ امام فرمود: به آن‌ها دعا کن و صدقه برای آن‌ها بده و اگر در قید حیات هستند و حق را نمی‌شناسند، با آن‌ها مدارا کن؛ زیرا رسول خدا فرمود: خداوند مرا با رحمت مبعوث نمود نه با درستی و نامهربانی» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۶: ۴۲۶). حارث بن دلہات می‌گوید، حضرت فرمود: «کسی مومن حقیقی نمی‌باشد، مگر اینکه در او سه خصلت باشد؛ سنت و روشی از پروردگارش، سنتی از پیامبر و سنت و رفتاری از ولی خدا... اما سنت پیامبرش، مدارا کردن با مردم باشد که خداوند پیامبرش را به مدارای با مردم امر کرده است و فرموده: «خُذِ الْعُقُوبَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۵۶).

۴-۵. سبک زندگی اسلامی؛ شاه‌بیت سیاست فرهنگی اسلامی

براساس دلالت‌های سیره رضوی، نخ تسبیح تمام سیاست‌های فرهنگی اسلامی، بحث سبک زندگی اسلامی است. یکی از مهم‌ترین موضوعات نمایانگر این دلالت در سیره رضوی، موضوع خانواده است. در شرایطی که جریان‌های انحرافی داخل مرزهای اسلامی از یک طرف و مشکلات فرهنگی ناشی از نهضت ترجمه و ورود افکار مخالف با

فرهنگ اصیل اسلامی از طرف دیگر، بنیان‌های جامعه اسلامی و به خصوص خانواده را هدف آماج حملات خود قرار داده بود، یکی از کارهای تبلیغی امام رضا (علیه السلام) برای نجات خانواده‌ها، تقویت سبک زندگی اسلامی بود. از آنجا که مقصد امام (علیه السلام) رساندن خانواده به عالی‌ترین کمال خویش بود، عمیق‌ترین بیانات را در جهت شکوفایی این نهاد مقدس بیان فرموده‌اند. در بیانات آن حضرت، علاوه بر توجه به حقوق مرد و وظایف او، حق زن نیز به طور کامل استیفا شده است. تبلیغ آن حضرت درباره زندگی مشترک بر این اصل استوار بود که زن و شوهر باید در غم و شادی شریک هم باشند و رفتارهای آنان براساس مهربانی باشد. از بزرگ‌ترین معضلاتی که سبب تزلزل بنیان خانواده می‌شود، بدخلقی زن و مرد با یکدیگر است. امام (علیه السلام) در روایات فراوانی، مردم را از آن بر حذر داشته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸: ۳۸۳). با توجه به آثار بد فراوانی که بدخلقی بر روان خانواده و به تبع آن بر جامعه دارد، آن حضرت همواره سفارش می‌فرمودند که خانواده‌ها، دختران خود را به تزویج افراد بد اخلاق درنیاورند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳: ۲۳۵؛ عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۸۰).

دستورات گهربار دیگری از امام (علیه السلام) درباره خانواده وارد شده است که فقط بعضی از آن‌ها عبارت است از: اهدای هدیه (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۲۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۴۷)، عفو و گذشت (دیلمی، ۱۴۰۸، ج ۳۰۷)، مشورت کردن (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲: ۴۴؛ برقی، ۱۳۷۱: ۶۰۱)، احترام طرفینی (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۱۱) و ...

۴-۶. فطریات، نقطه شروع سیاست‌گذاری فرهنگی

شروع سیاست‌گذاری فرهنگی از فطریات انسانی، دلالتی است که از سیره مناظرانی امام (علیه السلام)، قابل استنباط است. بر این اساس نباید در سیاست‌گذاری فرهنگی، از «شریعت» (به معنای دستورات درون‌دینی) شروع کرد، بلکه باید ابتدا از اصول فطری و انسانی مورد پذیرش همه آحاد انسانی آغاز کرد. برای مثال، نباید ابتدا فردی را که هنوز با اصل

دین‌آشنایی ندارد، به نماز خواندن واداشت، بلکه می‌توان از اصول فطری و بنیانی مورد پذیرش همه انسان‌ها، همچون عدالت و... آغاز کرد. امام (علیه السلام) هفت مناظره با پیروان ادیان مختلف دارند که عبارت است از: مناظره با جاثلیق (یکی از اسقف‌های نصاری)، مناظره با رأس الجالوت (عالم بزرگ یهود)، مناظره با بزرگ هیربدان (زرتشتیان)، مناظره با عمران صابی (بزرگ صائبیان)، مناظره با سلیمان مروزی، مناظره با علی بن محمد جهم (عالم اهل سنت)، مناظره با ارباب مذاهب مختلف در بصره (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۵۴). در بسیاری از مناظرات که فرد مناظره‌کننده، دینی غیر از اسلام داشت، امام (علیه السلام) برای اثبات سخنی به مخاطب، از فطریات عقلی و مورد قبول انسانی استفاده می‌کردند. در بخشی از مناظره عمران صابی، عمران از امام (علیه السلام) پرسید: «... از نخستین وجود در جهان هستی و مخلوقاتش با من سخن بگوی. امام (علیه السلام) فرمودند: ما معتقدیم که خداوند همیشه بوده و یگانه و واحد است و چیزی با او نبوده است. سپس مخلوقات مختلف را ابداع فرمود. جهان را نه در چیزی برپا داشت و نه در چیزی محدود نمود و نه طرح و نقشه‌ای قبلا در جهان بود تا مثل آن بیافریند. سپس مخلوقات را به گروه‌های مختلف تقسیم کرد: برگزیده و غیربرگزیده، مؤخر و مقم، رنگ و طعم (و غیرآن). نه نیازی به آن‌ها داشت و نه به این وسیله ارتقای مقام می‌یافت. سپس فرمود: آیا می‌فهمی چه می‌گویم ای عمران؟ عمران: بله مولای من. سپس فرمود: ای عمران! اگر خداوند برای نیازی جهان را آفریده بود، باید با قدرتی که داشت، چندیدن برابر این‌ها را بیافریند، چرا که هر قدر عرصه حکومتش بیشتر باشد، بهتر است و...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۷۷). همان‌طور که روشن است، علاوه بر وجه عقلانی این گفتار، که هرکسی فارغ از مکتبش می‌تواند بدان بیندیشد، وجهی فطری نیز دارد که هر انسان حق‌طلبی آن را می‌پذیرد و از اصلی فطری به نام «خدایابی ذاتی» در انسان پرده بر می‌دارد.

۴-۷. توجه به ضرورت سیاست‌گذاری برای الگوهای فرهنگی در منظومه تدوینی

سیاست فرهنگی اسلامی

آموزه‌های بسیاری در سیره رضوی وجود دارد که نشان دهنده دلالت ضرورت

سیاست‌گذاری برای الگوهای فرهنگی در منظومه سیاست فرهنگی اسلامی است. یک دسته از مهم‌ترین این آموزه‌ها، راهنمایی‌هایی است که در موضوع خانواده در سیره رضوی وجود دارد. ارزش‌ها و رفتارها در بدو امر در خانواده‌ها شکل می‌گیرد. انسان در دوران کودکی اولین کسانی را که می‌شناسد و همه چیز را وابسته به ایشان می‌داند، والدین او هستند. امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «به فرزندان‌تان خوبی و نیکی کنید، زیرا آنان گمان می‌کنند که شما ایشان را روزی می‌دهید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۷۷). زیرا آن‌ها مورد اعتمادترین اشخاص نزد کودکان هستند و وفا نکردن به وعده، اعتماد او را تخریب می‌کند. مهم‌ترین اثر منفی آن بر رابطه کودک با خدا در آینده است. پیش از آنکه کودک با مفهوم خدا آشنا شود، والدین را ربّ خود می‌داند. حال اگر والدین به وعده‌های خود عمل نکنند، او این خلف‌وعده را به مفهوم خداوندی تسری می‌دهد (ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۲۳۱). امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که خود را پیشوای مردم قرار دهد باید پیش از تعلیم مردم، خود را تربیت کند و قبل از تربیت زبانی، با رفتارش مردم را تربیت کند» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۱۵۱). امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «با غیر زبانتان دعوت‌کننده مردم باشید. باید مردم از شما پرهیزکاری، تلاش، نماز و خوبی ببینند که این دعوت‌کردن است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۷۸).

۴-۸. سیاست‌های فرهنگی بازدارنده در کنار سیاست‌های فرهنگی مشوقانه

در قرآن کریم، تشویق و تهدید در بسیاری از موارد در کنار هم آمده‌اند، قرآن درباره پیامبران می‌فرماید: «وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (انعام، ۴۸). زکریا بن آدم می‌گوید: «خدمت امام رضا (علیه السلام) بودم که حضرت جواد (علیه السلام) را نزد ما آوردند. او که حدود چهار ساله بود، دست‌ها را بر زمین نهاد و سرش را به طرف آسمان بلند نمود و به فکر فرو رفت. امام رضا (علیه السلام) به او فرمودند: جانم به فدایت باد، در چه موضوعی چنین اندیشه می‌کنی؟ فرمودند: در آنچه نسبت به مادرم فاطمه (علیها السلام) انجام داده‌اند. به خدا قسم، آن‌ها را از قبر بیرون می‌آورم، می‌سوزانم و خاکسترشان را به دریا می‌ریزم. امام رضا (علیه السلام) او را به خود نزدیک ساخت، بین دو چشمش

را بوسید و فرمود: پدر و مادرم به فدایت باد، تو برای امامت شایسته‌ای» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۱۰۵) در این حدیث، امام رضا (علیه السلام) بعد از شنیدن سخنان فرزندشان او را در کلام و عمل تشویق می‌کنند. امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «روزی حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) در محضر پدرش سخنی فرمودند که موجب شگفتی، سُرور و شادی پدر شد. امام صادق (علیه السلام) در مقام تشویق فرزند خود به او فرمودند: ای فرزندم! سپاس خدای را که تو را جانشین و خلف پدران و مایه سرور و بهجت فرزندان و جانشین دوستان قرار داد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۲۷). امام رضا (علیه السلام) با بیان این حدیث می‌خواهند تشویق کلامی امام صادق (علیه السلام) را بیان کنند که بلافاصله بعد از کلام فرزندشان مطرح می‌شود. در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز موضوع تشویق و تنبیه مشاهده می‌شود. در موارد بسیاری از شیوه گفتاری مانند مدح و ذم برای تشویق و تنبیه دیگران بهره می‌بردند. به عنوان نمونه، زمانی که سپاهیان از جهاد با معاویه امتناع ورزیدند، فرمودند: «رویتان زشت باد و همواره اندوهناک باشید که خود را هدف تیر دشمنان قرار دادید، آنان شما را غارت می‌کنند و شما به آنان حمله نمی‌کنید! خدا را معصیت می‌کنند و شما خشنود هستید! و... ای نامردان مردنما، دارندگان رؤیاهای کودکانه و عقل‌هایی به اندازه عقل زنان حجله‌نشین، ای کاش شما را ندیده بودم و نمی‌شناختم. به خدا قسم حاصل شناختن شما پیشمانی و غم و غصه است» (سیدرضی، ۱۳۹۱: ۵۱). حضرت رضا (علیه السلام) در توصیف پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) کار نیک را نیک می‌شمرد و تشویق و تقویت می‌کرد و کار زشت را زشت معرفی می‌کرد و به نکوهش آن می‌پرداخت» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۳۱۸؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۸۲؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۱۵۱). بنابراین، سیاست‌گذاران فرهنگی باید به دو وجه از سیاست‌گذاری بپردازند، سیاست‌های بازدارنده فرهنگی و سیاست‌های مشوقانه فرهنگی. نوع اول، به عنوان مانعی برای بروز ناهنجاری‌های فرهنگی است و نوع دوم تشویقی است مستقیم برای تقویت هنجارهای فرهنگی.

۹-۴. اصالت و اولویت غفلت‌زدایی در سیاست فرهنگی

انسان فطرتی خدا آشنا دارد، ولی غفلت‌هایی بر سر راه قرار می‌گیرد که به محض

برداشته شدن، دوباره به فطرت، باز می‌گردد (فانع و عصاره نژاد دزفولی، ۱۳۹۶). علامه طباطبایی معتقد است که بحث از خداوند به خاطر حاکم بودن اصل علیت بر روح انسان است که به دنبال علت العلل برمی‌آید (مطهری، ۱۳۸۸: ۶۸). این نکته مهم، از ادعیه رضوی قابل استنباط است. امام رضا (علیه السلام) بیان می‌دارند: «إِلَهِي بَدَتْ قُدْرَتُكَ وَ لَمْ تَبْدُ هَيْبَتُكَ فَجَهْلُوكَ وَ بِهِ قَدَّرُوكَ وَ التَّقْدِيرُ عَلَيَّ غَيْرِ مَا بِهِ وَصَفُوكَ فَأَنْتَ بَرِيٌّ يَا إِلَهِي مِنَ الَّذِينَ بِالتَّشْبِيهِ طَلَبُوكَ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ إِلَهِي وَ لَنْ يُدْرِكُوكَ وَ ظَاهِرٌ مَا بِهِمْ مِنْ نِعْمِكَ دَلِيلُهُمْ عَلَيْكَ لَوْ عَرَفُوكَ وَ فِي خَلْقِكَ...» (صحیفه رضویه، دعای ۸) بخش اول دعا به آگاه‌سازی صفات خداوند و بیان معارف با هدف غفلت‌زدایی، می‌پردازد و تنها در بخش پایانی برای رفع حوائج، دعایی ذکر شده است.

۴- ۱۰. ضرورت توجه به «نقش حجت درونی در سعادت انسان» در تدوین سیاست

فرهنگی

امام رضا (علیه السلام) عقل را حجت درونی، در کنار حجت بیرونی یعنی معصومین (علیهم السلام) می‌دانند. ابن سبکیت از ایشان پرسید: «امروز حجت بر مردم چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: همان خرد باشد که انسان به وسیله آن راستگو نسبت به خدا را می‌شناسد و او را تصدیق می‌کند و از دروغ‌پرداز نسبت به خدا آگاهی می‌یابد و او را تکذیب می‌کند. ابن سبکیت گفت: به خدا سوگند که این همان پاسخ (درست) است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۰: ۴۴۳). خود حضرت در روزگاری که حجت ظاهری، یعنی امامت، در حد پادشاهی تنزل یافت و امامان (علیهم السلام) ناشناخته ماندند، از حجت باطنی بیشترین بهره را برده و با تشکیل مناظرات و احتجاجات عقلانی، مردم را هدایت می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۳۴۰). از طرف دیگر، طبق روایات معصومین (علیهم السلام)، کسی که واعظ درونی نداشته باشد، واعظ بیرونی در هدایت او ناتوان است (همان، ج ۱: ۲۴۰) و در اندیشه اسلامی، انسان هر چه بیشتر در گمراهی زمان بگذراند، هدایت او سخت‌تر می‌شود (شاه‌آبادی، ۱۳۸۷: ۳۲۰)، لذا سیاست‌گذاران فرهنگی، باید سعی داشته باشند که از حیث اولویت، برای سنین پایین‌تر، اولویت بیشتری قائل باشند.

۴-۱۱. فرصت‌شناسی در سیاست فرهنگی

فرصت‌شناسی از دیگر دلالت‌های سیاست فرهنگی برگرفته از سیره رضوی است. فرصت‌شناسی، در واقع به معنای داشتن شناختی صحیح از موقعیت‌های گوناگون و یافتن ظرفیتی است که هر یک از موقعیت‌های مختلف در میزانی از اثرگذاری فرهنگی دارد. مأمون برای اینکه امام (علیه السلام) را در مضیقه قرار دهد و بلکه بتواند به ایشان غلبه یابد، در موقعیت‌های مختلفی، جلسات مناظره ایشان با بزرگان ادیان و فرقه‌های مختلف را تدارک دید؛ اما برخلاف میل مأمون، امام (علیه السلام) با شناختی دقیق از ویژگی‌های افراد مناظره‌کننده، موقعیت‌ها، ادیان و فرقه‌ها و... این موقعیت‌ها را تبدیل به بهترین فرصت برای نشر معارف اسلام حقیقی و حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) می‌نمودند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۴۴۸).

۴-۱۲. مخاطب‌شناسی در فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی

گوینده در تعامل، میزان خرد مخاطبان را می‌سنجد و به میزان عقول استعداد و توان آن‌ها، به گفت‌وگو می‌پردازد (زین‌آبادی و عدلی، ۱۳۹۵). امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: «ظرفیت‌های معرفتی هر جامعه را باید شناخت و رعایت کرد و به اندازه آن‌ها سخن گفت» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۹۵). در روایت دیگر، امام (علیه السلام) می‌فرمایند: «حکیمان آن‌گاه حکمت را تباه کردند که آن را در اختیار ناهلان گذاردند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۳۴۵). در همین راستا، روایت است که شخصی از ثنویه بر یکتایی وجود خداوند دلیل خواست. حضرت با توجه به فهم وی، به پاسخی اقتناعی اکتفا کرد و فرمود: «این که تو می‌گویی خداوند دو تاست، خود دلیل بر یکتایی است؛ زیرا تو «دومی» را نمی‌خوانی، مگر آن که اولی را اثبات کنی. پس اولی، مورد اتفاق همگان بوده و دومی، محل اختلاف است» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۴۲۰). آن حضرت در این استدلال به اثبات خدای واحد اکتفا می‌کند، خدای دوم را در مرحله شك و آن را نفی نمی‌کند. بنابراین، ضروری است در فرایند سیاست‌گذاری به شناخت جامعه‌ای که مخاطب سیاست فرهنگی است،

پرداخته شود و سیاست‌ها متناسب با ویژگی‌های آن مخاطب، تدوین و اجرا شود.

۴-۱۳. اصل گفت‌وگو محوری در ارائه مدل‌های فرهنگی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیره رضوی، استفاده از روش «گفت‌وگو» است. حضرت از این طریق به بیان احکام اسلام در موقعیت‌های مختلف می‌پرداختند. در این روش تلاش بر این است که خود مخاطب را به تأمل واداشت و با تحمل بار اندیشیدن، خود به نتایجی صحیح دست یابد. استفاده از این روش در سیره رضوی می‌تواند افق‌های جدیدی در ساخت مدل‌های فرهنگی گفت‌وگو محور روشن سازد. دو نمونه از شواهد آن عبارت است از:

۴-۱۳-۱. گفت‌وگو در مدل «پرسش و پاسخ»

در سیره رضوی، استفاده از «پرسش و پاسخ»، یکی از ابزارهای مهم است. ایشان می‌فرمایند: «علم، گنجینه‌های کمال است و کلیدهای آن گنجینه‌ها پرسش کردن است» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۲۴). هر چند ائمه علیهم‌السلام برای سؤال کردن فضیلت‌های متعددی بر شمرده‌اند، ولی اگر هدف آزار معلم باشد، هشدار داده‌اند. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «بر دانشجوست که در سؤال از معلم زیاده روی نکند و با پاسخ‌های او به مکابره و ستیزه برنخیزد. هنگام خستگی و ناتوانی معلم، از پای فشردن بر بحث خودداری کند و چون به عزم بیرون رفتن از مجلس درس برخاست به دامن وی نیاویزد» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۴۳).

در مجموع پرسش و پاسخ که بیانگر نوعی گفت‌وگوست، در سیره رضوی مورد توجه بسیار قرار گرفته است. روزی به دستور مأمون، مجلسی از فقها و فیلسوفان فرقه‌های مختلف، در حضور امام علیه‌السلام تشکیل شد و خود مأمون نیز در مجلس شرکت کرد. در آن مجلس، از امام علیه‌السلام پرسیده شد: مقام امامت برای مدعی آن، از چه راهی ثابت می‌شود؟ امام علیه‌السلام فرمود: با تصریح پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دلایل ثابت می‌شود. عالم گفت: دلالت بر صدق امام علیه‌السلام

چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: در علم و استجابت دعای او، عالم گفت: شما چگونه از حوادث خبر می‌دهید؟ حضرت فرمود: بر اساس عهده‌ی که بین ما و پیامبر (صلی الله علیه و آله) وجود دارد. عالم گفت: شما از دل‌های مردم چگونه خبر می‌دهید؟ امام (علیه السلام) فرمود: آیا سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به شما نرسیده که فرمود: مراقب فراست و تیزهوشی مؤمن باشید؛ چرا که او به کمک نور خدا، می‌نگرد. عالم گفت: آری؛ این سخن به ما رسیده است. امام (علیه السلام) فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه دارای هوش تیز و سرعت انتقال است و با نور خدا به اندازه ایمان و بصیرت و شناختش، به اشیا می‌نگرد و خداوند در وجود امامان (علیهم السلام) آنچه را که در میان همه مؤمنان پخش کرده، جمع کرده است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۴۴۸).

۴-۱۳-۲. گفت‌وگو در مدل «مناظره»

«مناظره» به معنای گفت‌وگو با یکدیگر است که طی آن دو طرف می‌کوشند با استفاده از مقدمات پذیرفته شده طرف مقابل، مطلب خود را اثبات و فضیلت خود را بر دیگران اثبات کند (سپنجی و مومن دوست، ۱۳۹۰: ۱۲۱). مناظره بیانگر برخورد اندیشه‌ها، به منظور پرده برداشتن از حقیقت است. امام (علیه السلام) فرموده‌اند: «برای دانستن سوال کن، نه برای مغلوب کردن دیگران» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۳۳). ایشان با شرکت در مناظرات، عملاً روش عقلانی بحث را به مردم آموزش می‌دادند (همان، ۱۴۱۳ ق: ۱۳۲). در واقع نهضت ترجمه، تحول فکری فرهنگی در جامعه اسلامی ایجاد کرد، مسائل جدیدی جایگزین مسائل موجود شد و مبانی و روش‌ها نیز تغییر کرد؛ بر همین اساس بر خلاف برخی رهبران ادیان و مذاهب که پرسش را زمینه‌ی بی‌اعتقادی می‌دانستند، امام رضا (علیه السلام) با اطمینان از مبانی دینی، به عقلانیت تأکید کردند و با استقبال از تضارب‌آرا، به طرح مسائل نوین دین‌شناسی پرداختند. استقبال امام (علیه السلام) از مباحث آزاد نشانگر آن است که ایشان مبانی اسلام را دارای پایه‌های عقلانی دانسته و دین را با عقل و علم قابل دفاع می‌دانستند (وطن دوست، ۱۳۸۷: ۱۴). آنچه امام (علیه السلام) در دفاع عقلانی، توسط روش مناظره انجام دادند، منجر شد تا شبهات از دین برطرف و ظرفیت تحمل دیدگاه‌های مخالف آموخته شود. مناظره‌های امام (علیه السلام) ویژگی‌های خاصی دارد که مهم‌ترین آن‌ها، میدان دادن

به طرف مقابل، آزادی کامل مخالفان، احتجاج با زبان طرف مقابل و استفاده از مقبولات طرف مقابل در مناظره است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰: ۳۲۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۵۴). شیوه مناظره ایشان در مناظره با افراد از ادیان مختلف، با استفاده از مستندهای کتاب‌های آنان و همان مناظره در حد فهم طرف مقابل است و از نظر نتیجه‌بخشی، همین بس که ایشان پیروز همه مناظره‌ها بودند و موجب ایمان آوردن بخشی از مناظره‌کنندگان شدند (رضازاده کهنگی و فارسی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۹).

۴- ۱۴. استکبارستیزی در سیاست فرهنگی

براساس آموزه‌های رضوی، استکبارستیزی و مبارزه با طاغوت زمان، عنصر لاینفک و جهت‌گیری همه سیاست‌های فرهنگی جامعه است. بر این اساس، سیاست فرهنگی، امری خنثی و بی‌توجه به مسائل سیاسی نیست و با چشم‌اندازی حقیقی، در مسیر احقاق حقوق فرهنگی می‌پردازد. یکی از این آموزه‌ها، مسئله ولایت‌عهدی امام رضا (علیه السلام) است. امام (علیه السلام) در مواقف بسیاری، به روشن‌ساختن حقیقت و پرده برداشتن از اهداف شوم مأمون می‌پرداختند (در خشه و حسینی فائق، ۱۳۹۴: ۲۲). نخست امام (علیه السلام) از پذیرش ولایت‌عهدی سر باز زدند و فرمودند: «می‌خواهم کاری کنم که مردم نگویند علی بن موسی (علیه السلام) به دنیا چسبیده؛ بلکه این دنیاست که از پی او روان شده است» (حسینی عاملی، ۱۳۸۷: ۲۵۴). در مجلس بیعت با مردم نیز امام (علیه السلام) از مأمون سپاسگزاری نفرمودند تا همه بدانند که این تصمیم نه به میل ایشان و نه از روی خیرخواهی بوده است. ایشان در این مجلس فرمودند: «ما به خاطر پیامبر ﷺ بر شما حقی داریم و شما نیز به خاطر ایشان بر ما حقی. هرگاه شما حق ما را در نظر بگیرید، بر ما نیز واجب است که حق شما را منظور بداریم» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵ ق: ۳۷۶) یا حضرت در سند ولایت‌عهدی، فرمودند: «او (مأمون) ولایت‌عهدی خود را به من واگذار کرد، البته اگر پس از وی زنده باشم» (حسینی عاملی، ۱۳۸۷: ۲۵۷). این جمله هم ناظر به تفاوت سنی امام (علیه السلام) و مأمون بود و هم ناظر به ظن ایشان به مأمون برای اقدام به قتل. در ادامه نیز نوشتند: «هرکس ریسمانی که خدا استواری‌اش را پسندیده، قطع کند، به حریم خداوند تجاوز کرده است.

چه او با این عمل، امام علی (علیه السلام) را تحقیر نموده و حرمت اسلام را دریده است» (همان).

۴- ۱۵. هماهنگی و تاثیر متقابل علم و عمل؛ مبنایی برای سیاست فرهنگی

بر اساس مبانی اسلامی، بین علم و عمل رابطه متقابل و مستقیم وجود دارد (کاردان، ۱۳۸۹: ۵۰۶) لذا انجام عمل مطابق فطرت، به تدریج علم آن را به همراه خواهد آورد (قانع و عصاره نژاد دزفولی، ۱۳۹۶: ۲۱). برای مثال، در فقه اسلامی، بر عدم تشبّه به کفار تأکید می‌شود.^۱ پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هرکس به غیر ما مانند شود، از ما نیست» (پاینده، ۱۳۶۰: ۵۰۹). در همین باره، امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «عمل تابع علم است. هیچ کدام بدون دیگری نفعی ندارد و عالم ناچار باید عمل کند و علم به تنهایی اهل علم را نجات نمی‌دهد» (ابن فهدحلی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۷۳). آن حضرت فرمود: «کسی که بدون شناخت و بصیرت عمل کند، همانند کسی است که در بیراهه حرکت می‌کند و هر چه بر سرعت مسیر بیفزاید، جز دوری از راه چیزی بر او نیفزاید، پس علم و عمل دو یار قرین هم‌اند که هیچ یک بدون دیگری درست نمی‌شود و همه فعالیت‌ها به خاطر این دو گوهر یعنی علم و عمل شکل گرفته است» (همان: ۷۴). بنابراین، برنامه‌ریزی برای مخاطبان در موضوعی خاص، حتی بدون اینکه ابتدای امر، برنامه مد نظر را آگاهانه انجام دهند، رفته رفته خود می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای ارتقای سطح معرفتی مخاطبان عمل نماید.

۴- ۱۶. توجه توأمان به ابعاد فطری و طبیعی انسان در سیاست فرهنگی اسلامی

در اندیشه اسلامی، انسان دارای دو بعد جسمانی و غیر جسمانی است که از بعد غیر جسمانی او با نام‌هایی مانند «روح» یا «نفس مجرد» یاد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۶) از طرف دیگر انسان موجودی «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء» است. بدین معنا که انسان میان عالم ناسوت و ملکوت قرار گرفته و هر آن، به طرف یکی از این دو میل می‌کند. گاهی راه سعادت اخروی در پیش می‌گیرد و گاهی غافل شده و بدون توجه به سعادت

۱. برای مطالعه بیشتر ن.ک: احمد علی قانع، ۱۳۹۷.

اخروی، مشغول دنیا می‌شود (شاه‌آبادی، ۱۳۸۷: ۳۲۰). از این رو، سیاست فرهنگی حقیقی، سیاستی است که بتواند بعد فطری و طبیعی انسان یا سعادت دنیوی و اخروی انسان را توأمان فراهم آورد. یکی از ویژگی‌های آموزه‌های رضوی، شمولیت و جامعیت است (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۹۲). امام علیه السلام چونکه نماد اسلام حقیقی بودند، همانند اسلام، به تمامی حوزه‌های انسانی، چنان می‌پرداختند که با اهتمام به یک حوزه، از دیگر حوزه‌ها باز نمانند؛ زیرا اسلام دینی حقیقی است، لذا احکامی آن نیز جامع هستند و به صورت همزمان، خیر دنیا و آخرت را به دنبال دارند (موسلی و جدی، ۱۳۹۷). در همین باره «ابراهیم بن عباس» بیان می‌کند: «هرگز ندیدم آن حضرت، با سخن در حق کسی جفا کند... هرگز حاجت‌مندی را که توان انجام حاجت او را داشت، رد نمی‌کرد. هرگز پای خود را نزد دیگران دراز نمی‌کرد، هرگز در حضور دیگران به چیزی تکیه نمی‌داد، هرگز ندیدم غلامان و خدمه خود را دشنام دهد، هرگز ندیدم که آب دهان بیندازد... وقتی سفره پهن می‌کرد، بردگان و خدمه و حتی دربان‌ها و نگهبانان نیز با او بر سفره می‌نشستند. بیشتر شب‌ها را تا صبح اهل تهجد و نیایش بود... بسیار نیکی می‌کرد و پنهانی صدقه می‌داد...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۸۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۹۰)

۴- ۱۷. «هویت‌سازی» و «نمادسازی» در سیاست فرهنگی

«هویت‌سازی» و «نمادسازی» دو دلالت سیاست فرهنگی است که نشانه‌های بسیاری از آن دو در سیره رضوی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها در برخورد ائمه علیهم السلام به خصوص امام رضا علیه السلام با موضوع فدک است. حضرت زهرا علیها السلام با رفتار استراتژیک خود خط روشنی بر حقانیت جریان ولایت و بطلان خط غصب خلافت ترسیم کرد. فدک که به نماد غصب ظالمانه حق مسلم اهل بیت علیهم السلام تبدیل شده بود، در دوران امام رضا علیه السلام نیز این نماد همچنان حفظ شد. در این دوران است که فدک برای زمان محدودی به اهل بیت علیهم السلام برگردانده می‌شود. زکریا بن آدم می‌گوید: «... حضرت جواد علیه السلام دست‌هایش را بر زمین نهاد، سرش را به طرف آسمان بلند کرد و در فکری عمیق فرورفت. امام رضا علیه السلام فرمود: جانم فدایت چرا در فکری؟ امام جواد علیه السلام فرمود: به آنچه درباره مادرم زهرا علیها السلام انجام شد،

می‌اندیشیم. به خدا سوگند حق قاتلان‌ش آن است که اگر دستم به آن‌ها برسد، آنان را سوزانده، تکه‌تکه کنم و ریشه‌شان را برکنم. در این هنگام امام رضا (علیه السلام) او را در آغوش کشید، میان دو چشمانش را بوسید و فرمود: پدر و مادرم فدایت، به راستی که تو لایق امامت شیعه هستی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰: ۵۹).

۴-۱۸. عدالت فرهنگی در سیاست‌گذاری فرهنگی

یکی دیگر از پایه‌های ترین دلالت‌های سیاست فرهنگی استنباط شده از سیره رضوی، عدالت فرهنگی است. به موجب این دلالت، همه امور، از جمله فرهنگ و متعلقات آن (محصولات فرهنگی و...) نیز باید بر سبیل عدالت بین همه آحاد جامعه تقسیم شود و همین امر موجبات پیشرفت اجتماعی را فراهم خواهد آورد. امام (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «به کارگیری عدل و احسان، عامل پایداری نعمت‌هاست» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۴). ایشان در متن ولایت‌عهدی نوشتند: «خدا را بر خویش گواه می‌گیرم که اگر رهبری مسلمانان را به دستم دهد با همه، به ویژه بنی‌عباس به اقتضای اطاعت از خدا و سنت پیامبرش عمل کنم. هرگز خونی را به ناحق نریزم و ناموس و ثروتی را از چنگ دارنده‌اش به درنیاورم، مگر در آنجا که حدود الهی مرا دستور داده است» (حسینی عاملی، ۱۳۸۷: ۲۵۸).

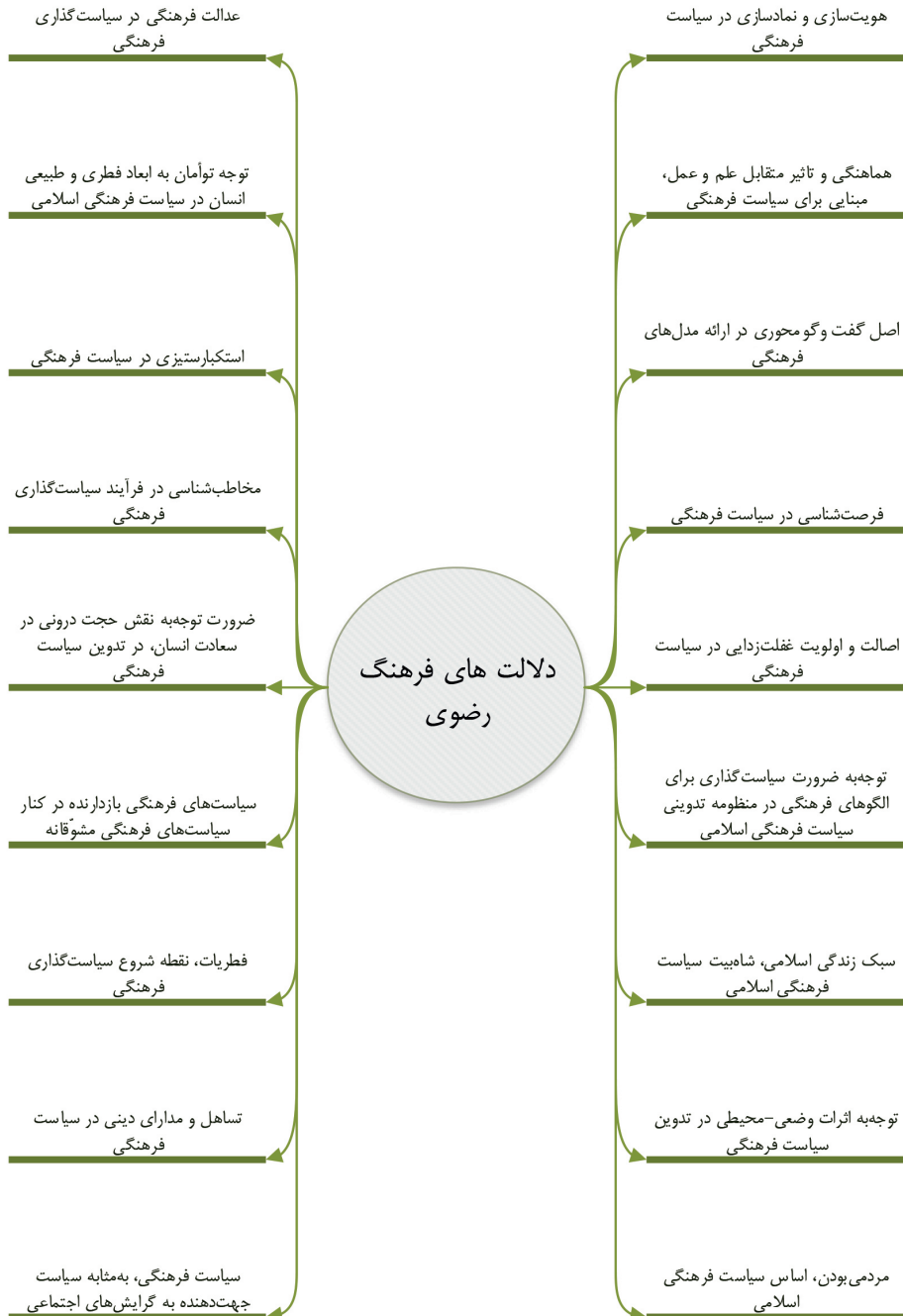
۵. نتیجه‌گیری

علوم بسته به مبادی خود، نتایج مختلفی دارند. علوم اجتماعی و رشته‌های مختلف آن، مانند سیاست فرهنگی و... نیز از این امر مستثنی نیستند. با بنیان قرار دادن مبانی اسلامی، نتایج مختلف و متفاوتی بر آن‌ها بار می‌شود. از طرفی یکی از منابع استخراج احکام در اسلام، اقوال و سیره معصومان (علیهم السلام) است. سوال اصلی این پژوهش، چپستی دلالت‌های سیره رضوی در سیاست فرهنگی بود چرا که دوران امامت امام رضا (علیه السلام)، بنا

به دلایلی مانند نهضت ترجمه، اختلاط فرهنگ اسلامی با دیگر فرهنگ‌ها، حکومت حاکمان متظاهر به دین و... یکی از دوران پرتشتت فرهنگی است. بنابراین، نحوه مدیریت امام رضا (علیه السلام) در این اوضاع، می‌تواند به عنوان سرمشقی بی‌بدیل برای سیاست‌گذاران عرصه فرهنگ در جهان پرتشتت کنونی باشد.

انسان‌ها زمانی می‌توانند به کمال حقیقی دست یابند که دین و دستورات آن اعم از دستورات فردی و اجتماعی را در جامعه حکم‌فرما سازند. در این میان دینی می‌تواند ادعای سعادت بشر را داشته باشد که هم برای دنیای او دارای برنامه باشد و هم برای آخرت وی. چنین دینی باید میان سعادت دنیوی و اخروی بشر، نسبتی متوازن و متناسب برقرار نماید. دین اسلام، دینی است که از حیث منابع (ثقلین)، در کمال مطلق سیر می‌کند و بارها این مهم به اثبات اهل اندیشه و نظر رسیده است؛ لکن بنا به دلایلی چون عدم اقبال لازم مردمی در دوران مختلف، تجربه‌ای طولانی در حکومت‌داری ندارد و این اتفاق، ذره‌ای از حقانیت آموزه‌های اصیل و بنیادین اسلامی، نمی‌کاهد. از طرف دیگر به جهت اوضاع سیاسی، اجتماعی فرهنگی عصر رضوی و نسبت آن حضرت با حکومت وقت، توجه به سیره اجتماعی آن حضرت را بسیار پر اهمیت می‌کند. چراکه این تأمل می‌تواند پنجره‌ای از دانش اجتماعی نوینی در پیش‌روی این رشته باز نماید. پژوهش حاضر، در سنت کیفی و با روش توصیفی تحلیلی، با مبنا قرار دادن سیره رضوی، به دنبال استخراج دلالت‌هایی در سیاست فرهنگی بود. در نهایت، اهم نتایج در نمودار (۱) ارائه می‌شود.

نمودار (۱) نتایج پژوهش



منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. (۱۳۹۱). ترجمه محمد دشتی. تهران: پورصائب.
- آشوری، داریوش. (۱۳۷۳). دانشنامه سیاسی. تهران: مروارید.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. (۱۳۸۵). *مقاتل الطالبیین*. قم: دارالکتاب.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*. قم: مومنین.
- (۱۳۷۶). *امالی*. تهران: کتابچی.
- (۱۳۹۸). *التوحید*. قم: جامعه مدرسین.
- (۱۴۰۳). *معانی الاخبار*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*. قم: اسلامی.
- ابن فهدحلی، احمد بن محمد. (۱۳۸۱). *آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز*. ترجمه محمد حسین نائیجی. تهران: کیا.
- ابن سعد، ابوعبدالله محمد بن سعد. (۱۴۰۸). *الطبقات الکبری*. مدینه: مکتبه العلوم و الحكم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۰). *تحف العقول عن آل الرسول*. ترجمه محمد باقر کمره‌ای. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- احمدی فر، مصطفی؛ حسین نژاد محمد آبادی؛ حمید؛ رضایی اصفهانی، محمد علی؛ حق پناه، رضا. (۱۳۹۴). «شاخص های اخلاق محوری در آموزه های سیاسی امام رضا علیه السلام». *فرهنگ رضوی*. سال ۵. شماره ۱۸. صص: ۱۷۹-۲۱۵.
- اشتریان، کیومرث. (۱۳۸۹). *مقدمه ای بر سیاست گذاری فرهنگی*. تهران: جامعه شناسان.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۹۲). «مفهوم سیاست در مکتب رضوی». *فرهنگ رضوی*. سال ۱. شماره ۳. صص: ۷-۲۶.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان. (۱۳۷۴). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه بعثت.
- (۱۴۱۱). *حلیه الابرار فی احوال محمد و آلہ الأطهار علیه السلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). *المحاسن*. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۶۰). *نهج الفصاحه*. تهران: جاویدان.
- پیروزمند، علی رضا. (۱۳۸۹). *مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی*. قم: فجر ولایت.
- جزائری، نعمت الله. (۱۴۲۷). *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار*. بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۶۸). *تاریخ تشیع در ایران*. تهران: تبلیغات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). *حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه*. قم: اسراء.
- جهانگیر فیض آبادی، احمد؛ فرخی، میثم. (۱۳۹۵). «واکاوی سیاست گذاری فرهنگی در سیره امام رضا علیه السلام». *فرهنگ رضوی*. سال ۴. شماره ۱۴. صص: ۷-۲۸.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: آل البيت علیه السلام.
- حسینی عاملی، جعفر مرتضی. (۱۳۸۷). *زندگی سیاسی هشتمین امام علیه السلام*. خلیل خلیلیان. قم: تبیان.
- خاکپور، حسین؛ محمودی، مرضیه؛ سعیدی گراغانی، منصوره. (۱۳۹۳). «نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا علیه السلام بر جامعه شیعه». *فرهنگ رضوی*. سال ۲. شماره ۸. صص: ۳۱-۵۶.

- درخشه، جلال. (۱۳۸۶). تجزیه و تحلیل رابطه دین و سیاست در حکومت امام‌علی (علیه‌السلام). تهران: امام‌صادق (علیه‌السلام).
- درخشه، جلال؛ حسینی فائق، سیدمحمد مهدی. (۱۳۹۴). «مؤلفه‌های سیاست‌ورزی در سیره امام‌رضا (علیه‌السلام)». فرهنگ رضوی. سال ۳. شماره ۱۲. صص: ۷-۳۴.
- دلبری، شهربانو؛ زحمتکش، زهرا. (۱۳۹۵). «به‌کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام‌رضا (علیه‌السلام)». فرهنگ رضوی. سال پنجم. شماره ۲۰. صص: ۳۱-۶۸.
- دهقانی، روح‌اله. (۱۳۹۵). «تحلیل و بررسی سیاست فرهنگی ابناء‌الرضا (علیه‌السلام)». فرهنگ رضوی. سال ۴. شماره ۱۶. صص: ۷-۴۵.
- دیلمی، حسن‌بن‌ابی‌الحسن. (۱۴۰۸ق). «اعلام‌الدین». قم: موسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).
- راوندی کاشانی، فضل‌الله. (بی‌تا). «التواذر». قم: دارالکتاب.
- رضازاده کهنگی، فریبا؛ فارسی نژاد، علیرضا. (۱۳۹۴). «اصول علمی و اخلاقی مناظره‌های رضوی». فرهنگ رضوی. سال ۳. شماره ۹. صص: ۳۷-۵۸.
- رفاعی، احمدفرید. (۱۳۴۳ق). «عصر‌المأمون». قاهره: دارالکتاب المصریه.
- ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۶). «حکمت‌نامه کودک». قم: دارالحدیث.
- زین‌آبادی، حسن‌رضا؛ عدلی، مریم. (۱۳۹۵). «اصول و روش‌های تربیتی با نگرشی به اراده و اختیار انسان در سیره رضوی». فرهنگ رضوی. سال پنجم. شماره ۱۷. صص: ۵۹-۹۶.
- زیدان، جرجی. (بی‌تا). «تاریخ‌التمدن‌الاسلامی». بیروت: دارالمکتبه‌الحیة.
- سپنجی، امیر عبدالرضا؛ مومن دوست، نفیسه. (۱۳۹۰). «اقناع و تغییر نگرش جایگاه‌آن در سیره ارتباطی امامان معصوم (علیهم‌السلام): مروری بر مناظرات مکتوب امام‌رضا (علیه‌السلام)». دین و ارتباطات. شماره ۴۰. صص: ۱۴۴-۱۱۷.
- سروری مجد، علی. (۱۳۹۲). «فرهنگ رضوی و جامعه آرمانی». فرهنگ رضوی. سال ۲. شماره ۲. صص: ۷۷-۱۰۳.
- _____ (۱۳۹۳). «عنصر محبت در فرهنگ رضوی». فرهنگ رضوی. سال ۲. شماره ۵. صص: ۸۶-۶۶.
- شاه‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۸۷). «شجاعت‌البحار. زاهد و یسی». تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شاین، ادگار. (۱۳۸۳). مدیریت فرهنگ سازمانی و رهبری. برزو فرهی و شمس‌الدین نوری نجفی. تهران: سیمای جوان.
- شفرنتز، جی‌ام؛ بریک، کریستوفر. (۱۳۹۰). «سیاست‌گذاری عمومی در ایالات‌متحده آمریکا». حمیدرضا ملک‌محمدی. تهران: دانشگاه امام‌صادق (علیه‌السلام).
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۷). «تعالیم‌اسلام». هادی خسروشاهی. قم: بوستان کتاب.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن. (۱۳۸۵ق). «مشکاة‌الانوار فی غرر‌الانخبار». نجف: المکتبه‌الحیدریه.
- عصاره‌نژاد دزفولی، سینا. (۱۳۹۷). «ارزیابی طرح حلقه‌های صالحین شهرستان دزفول». دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات. دانشگاه امام‌صادق (علیه‌السلام).
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه؛ ذبیحی، عاطفه. (۱۳۹۲). «مؤلفه‌های سلامت و بهداشت روان خانواده در روایت‌های رضوی». فرهنگ رضوی. سال ۱. شماره ۲. صص: ۱۵۵-۱۷۹.
- عطاردی قوچانی، عزیزالله. (۱۴۰۶ق). «مسند‌الامام‌الرضا (علیه‌السلام)». بیروت: دارالصفوه.
- علم‌الهدی، سیدامیرحسین؛ شریفی، علی. (۱۳۹۴). «ارتباطات انسانی در فرهنگ رضوی». فرهنگ رضوی. سال ۳. شماره ۱۱.

- صص: ۷۷-۱۰۸.
- قانع، احمدعلی. (۱۳۹۷). قواعد فقه در میدان فرهنگ و ارتباطات. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- قانع، احمدعلی؛ عصاره نژادز فولی، سینا. (۱۳۹۶). «دلالت‌های نظریه فطرت در نظام تربیتی اسلام». علوم تربیتی از دیدگاه اسلام. سال ۵. شماره ۹. صص: ۳۷-۶۴.
- قائمی، علی (۱۳۷۰). زمینه تربیت. قم: امیری.
- کردان، علی محمد. (۱۳۸۹). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: سمت.
- کلاکھون، کلاید. (۱۳۹۳). مردم‌شناسی فرهنگی. امیرحسین آریان پور. تهران: عطار.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گنجور، مهدی. (۱۳۹۰). «امام رضا (علیه السلام) و الگوهای رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان و مذاهب». شیعه‌شناسی. شماره ۳۴. صص: ۲۱۵-۲۵۰.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مک‌گویگان، جیم. (۱۳۸۸). بازانندی در مفهوم سیاست فرهنگی. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- موحدابطحی اصفهانی، سیدمحمدباقر. (۱۳۹۱). صحیفه رضویه جامعه: ادعیه امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام). سیدعدنان لاجوردی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- موسلی، مهدی؛ جدی، حسین. (۱۳۹۷). «مؤلفه‌ها و روش‌های تربیتی در احادیث امام رضا (علیه السلام)». بصیرت و تربیت اسلامی. سال ۱۵. شماره ۴۵. صص: ۹-۳۲.
- مولایی‌آرانی، مهدی. (۱۳۹۶). «چالش‌های کنشگری حوزه علمیه در تدوین سیاست‌های فرهنگی». دین و سیاست فرهنگی. سال ۴. شماره ۸. صص: ۸۹-۱۱۹.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: زرین.
- نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: آل‌البت (علیه السلام).
- نوروزی، مجتبی؛ کاظمی، ابوالفضل؛ شاهمرادی، سیده فاطمه. (۱۳۹۶). «راهکارهای تربیت دینی در فضای مجازی با تأکید بر آموزه‌های قرآن سیره رضوی». فرهنگ رضوی. سال ۵. شماره ۱۹. صص: ۱۷۷-۲۲۱.
- نائینی، وحید. (۱۳۹۱). درآمدی بر مدیریت فرهنگی. تهران: ساقی.
- وطن‌دوست، رضا. (۱۳۸۷). «عقل و روش کلامی امام رضا (علیه السلام)». اطلاعات حکمت و معرفت. شماره ۳۲. صص: ۱۳-۱۵.